

## The Formulation of a Model of Predicting Cognitive Emotion Regulation Based on the Components of God-Image, Self-Image, and Attachment Styles with the Mediation of Ego Strengths

Yavar Touphchi\*

Rasoul Roshan Chesli\*\*

Masoud Janbozorgi\*\*\*

### Abstract

**Objective:** The purpose of this study was to evaluate a structural model of predicting cognitive emotion regulation based on the components of God-image, self-image, and attachment styles with the mediation of ego strengths.

**Methodology:** This correlational study applied the methodology of structural equation modeling (path analysis). The participants, who were selected by the convenience sampling, included 250 students from the University of Tehran and Shahed University. Janbozorgi's God-image and self-image questionnaire for spiritual interventions, Collins and Read's attachment style questionnaire, Garnefski's cognitive emotion regulation questionnaire, and Markstrom's ego strengths questionnaire were used. The data were analyzed by the SPSS-26 and LISREL.

**Results:** According to the structural equation modeling, the initial conceptual model did not have the desired initial fit and the paths of God-image and avoidant attachment style were not significant. After omitting these paths, the modified model had a desired fit. In the modified model, self-image, self-concept, and ambivalent attachment style were able to predict adaptive and non-adaptive cognitive emotion regulation by mediating ego strengths. Moreover, God-image and secure attachment style could predict non-adaptive regulation without mediating ego strengths.

**Conclusion:** Based on the results, it can be said that the higher God-image versus God-concept in individuals, the more non-adaptive cognitive emotion regulation in them. In addition, secure attachment style decreases non-adaptive cognitive emotion regulation in individuals. Self-image, self-concept, and ambivalent attachment style with the mediation of ego strengths predict the strategy of adaptive and non-adaptive cognitive emotion regulation. Therefore, we can consider such variables in the interpersonal relationships and educational, family, religious, spiritual, and therapeutic issues.

**Keywords:** God-image, self-image, attachment, ego strengths, cognitive emotion regulation, emotion, mental health, spirituality.

---

\* M.A. in Clinical Psychology, Shahed University, Tehran, Iran, toopchi.yavar@gmail.com.

\*\* Professor, Department of Clinical Psychology, Shahed University, Tehran, Iran, Corresponding Author,  
rasolroshan@yahoo.com

\*\*\* Professor, Department of Psychology, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran,  
psychjan@gmail.com

## تدوین مدل نظم‌جویی شناختی هیجان براساس مؤلفه‌های خداپناره، خودپناره و سبک‌های دلستگی با میانجی‌گری نیرومندی من<sup>۱</sup>

یاور توپچی\*  
رسول روشن چسلی\*\*  
مسعود جانبازگی\*\*\*

### چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مدل ساختاری پیش‌بینی نظم‌جویی شناختی هیجان براساس خداپناره-خودپناره، سبک‌های دلستگی با میانجی‌گری نیرومندی من صورت گرفت.  
روش: روش این پژوهش همبستگی مبتنی بر روابط ساختاری (تحلیل مسیر) می‌باشد. شرکت کنندگان شامل ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران و شاهد که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده پرسشنامه خداپناره-خودپناره برای مداخلات معنوی جانبازگی، پرسشنامه سبک دلستگی کولینز و رید، پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان گارنفسکی و پرسشنامه نیرومندی من مارکستروم بود. داده‌های حاصله با استفاده از نرم‌افزار SPSS-26 و لیزرل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری شان داد که مدل مفهومی اولیه مفروض اولیه برازش مطلوب را نداشت و مسیرهای خداپنداشت و دلستگی اجتنابی معنادار نشد. بعد از حذف این مسیرها، مدل اصلاح شده برازش مطلوب پیدا کرد. مدل اصلاح شده به این شکل است که خودپناره، خودپنداشت و سبک دلستگی دوسوگرا با میانجی‌گری نیرومندی من توانستند نظم‌جویی غیرانطباقی شناختی هیجان را پیش‌بینی کنند. همچنین خداپناره و سبک دلستگی اینم، توانستند بدون میانجی‌گری نیرومندی من نظم‌جویی غیرانطباقی را پیش‌بینی کنند.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج حاصله می‌توان گفت که خداپناره در مقابل خداپنداشت در افراد بیشتر باشد، نظم‌جویی شناختی هیجان غیرانطباقی در آنها افزایش می‌دهد. همچنین دلستگی اینم در افراد، نظم‌جویی غیرانطباقی شناختی هیجان را کاهش می‌دهد. همچنین خودپناره، خودپنداشت و سبک دلستگی دوسوگرا با میانجی‌گری نیرومندی من، راهبرد انطباقی و غیرانطباقی نظم‌جویی شناختی هیجان را پیش‌بینی می‌کند. بدین‌سان می‌توان در روابط بین فردی، موضوعات تربیتی، خانوادگی، مذهبی، معنوی و درمانی به متغیرهای یاد شده توجه نمود.

**واژگان کلیدی:** خداپناره، خودپناره، دلستگی، نیرومندی من، نظم‌جویی شناختی هیجان، هیجان، سلامت روان، معنویت.

۱. این مقاله از پایان‌نامه ارشد نویسنده اول (یاور توپچی) است و نویسنده مسئول (دکتر رسول روشن) می‌باشد.

\* کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

\*\* استاد گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

\*\*\* psychjan@gmail.com

\*\*\*\* استاد گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲ تاریخ تایید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

## مقدمه

هیجان یک الگوی واکنشی پیچیده شامل عناصر تجربی، رفتاری و فیزیولوژیک است که فرد تلاش می‌کند با یک موضوع یا رویداد مهم شخصی روبرو شود (ون دن بس،<sup>۱</sup> ۲۰۱۵). هیجان نقش مهمی در جنبه‌های مختلف زندگی مانند سازگاری با تغییرات زندگی و رویدادهای تیدگی‌زا ایفا می‌کند (گارنفسکی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۴)؛ با اینکه هیجان می‌تواند عمل ما را محدود و ناگزیر به انجام کاری کند که فریجدا<sup>۳</sup> به آن اولویت کترل می‌گوید، اما نکته مهم اینکه هیجان یک حالت تعدیلی و انعطاف‌پذیری دارد که می‌تواند توسط راههای مختلف دچار تعدیل و انعطاف قرار گیرد. این ویژگی مهم هیجان از عواملی است که سبب می‌شود نظم‌جویی هیجان ممکن باشد (گراس،<sup>۴</sup> ۲۰۰۷).

نظم‌جویی هیجان به معنای توانایی فرد در تعدیل یک یا مجموعه‌ای از هیجان‌ها است (ون دن بس، ۲۰۱۵)؛ به عبارت دیگر نظم‌جویی هیجان، یعنی فرد فرایندها یا راهبردهایی پیدا کند که به وسیله آنها توانایی تغییر و مدیریت هیجان‌ها را داشته باشد و یا اینکه چه موقع و چگونه آن هیجان را تجربه کند (مگرو<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). مشکلات در هیجان و نظم‌جویی هیجان در بیش از ۷۵ درصد از طبقه‌های نظام‌های تشخیص اختلال‌ها نقش دارد (کرینگ و اسلون،<sup>۶</sup> ۲۰۰۹) و این اهمیت جایگاه نظم‌جویی هیجان در سلامت روان را نشان می‌دهد.

نظم‌جویی هیجان راهبردهای مختلفی دارد که یکی از متداول‌ترین آنها راهبرد نظم‌جویی شناختی هیجان است. در این راهبرد فرد با استفاده شناخت‌ها و فرایندهای شناختی به نظم‌جویی هیجان دست می‌زند. نظم‌جویی شناختی هیجان به روش هوشیارانه و شناختی مدیریت دریافت اطلاعات برانگیز نده هیجان و همچنین به مقابله شناختی با هیجان مربوط می‌شود (گارنفسکی و کراجی،<sup>۷</sup> ۲۰۱۸). گارنفسکی نه راهبرد نظم‌جویی شناختی هیجان را معرفی می‌کند؛ این راهبردها عبارتند از ملامت خویش،<sup>۸</sup> ملامت دیگران،<sup>۹</sup> پذیرش،<sup>۱۰</sup> تمرکز دوباره در برنامه‌ریزی،<sup>۱۱</sup> تمرکز

1. VandenBos ,G .R

2. Garnefski N

3. Frijda

4. Gross ,J.

5. Megreyaa Ahmed

6. Kring Ann M, Sloan Denise M

7. Garnefski Nadia ,Kraaij Vivian

8. Self blame

9. Others blame

10. Acceptance

11. Refocus on planning

مجدد مثبت،<sup>۱</sup> نشخوارگی،<sup>۲</sup> ارزیابی مثبت مجدد،<sup>۳</sup> دیدگاه‌گیری،<sup>۴</sup> فاجعه‌سازی<sup>۵</sup> که خود این نه راهبرد به دو راهبرد سازگارانه و ناسازگارانه تبدیل می‌شوند (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۱).<sup>۶</sup> نظم‌جویی هیجان و نظم‌جویی شناختی هیجان نقش مهمی در بحث‌های روانی و سلامت روانی دارد و پژوهش‌های گوناگونی را نشان می‌دهند.

در پژوهش‌ها متغیرهای زیادی با نظم‌جویی شناختی هیجان بررسی شده است؛ یکی از موضوعات که می‌تواند در نظم‌جویی هیجان نقش داشته باشد، امور معنوی و مذهبی است. برخی معتقدند که دین و معنویت می‌تواند در ایجاد و تعدیل هیجان نقش داشته باشد (پارگامنت،<sup>۷</sup> ۱۹۹۷). پژوهش‌های مختلفی نشان می‌دهند که دین و معنویت می‌تواند در نظم‌جویی هیجان نقش داشته باشد (ر.ک: ویشکین<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ ویشکین و همکاران، ۲۰۱۹؛ آلیچه<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۲۰؛ لائزورین<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ مک‌کالو<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۹؛ شهابی و همکاران، ۱۳۹۶). برای بررسی دقیق‌تر امور معنوی و دینی باید متغیر مشخص‌تری از معنویت و دینداری را مورد بررسی قرار دهیم و با توجه به اینکه دین و معنویت از اموری است که در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف تقاضا شوند؛ با توجه به مذهبی بودن جامعه ایران و اینکه دین غالب کشور اسلام است، مطالعات مبتنی بر منابع اسلامی مهم به نظر می‌رسد؛ رویکرد چندبعدی معنوی یک رویکرد مبتنی بر منابع اسلامی است (جان‌بزرگی و انصاری، ۱۳۹۵). یکی از متغیرهای مهم در مباحث معنوی و مذهبی، «خدای‌پنداشته»<sup>۱۲</sup> و «خدای‌پنداشت»<sup>۱۳</sup> است. این دو مفهوم به نوعی تحت تأثیر تصویر فرد از خدا هستند؛ در پژوهشی به افراد چهار عبارت ارائه شد: مجموعه باورها، عضویت در کلیسا، یافتن معنا در زندگی و ارتباط با خدا. سپس از آنها خواسته شد که بگویند کدامیک به مفهوم ایمان و دین نزدیک‌تر است؛ بیشترین پاسخ، ارتباط با خدا بود (کزیدی و شاور،<sup>۱۴</sup> ۲۰۱۶) و اینکه رابطه با خدا تحت تأثیر تصویر فرد از خداست. در رویکرد چندبعدی

- 
1. Positive refocusing
  2. Rumination
  3. Positive reappraisal
  4. Putting into perspective
  5. Catastrophizing
  6. Pargament ,K .I
  7. Allon Vishkin
  8. Joseph Chinenye Aliche
  9. Kristin Laurin
  10. Michael E .McCullough
  11. God image
  12. God concept
  13. Cassidy Jude, Shaver Phillip

معنوی هم این موضوع از موضوعات مهم می‌باشد (جانبزرگی، ۱۳۹۵)؛ همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که خداپندازه با نظم جویی هیجان نیز ارتباط دارد (لانورین و همکاران، ۲۰۱۱). متغیری که در این پژوهش بررسی شد؛ خداپندازه در مقابل خداپنداشت است، یعنی تلاش شد تفکیک بین این دو مفهوم در پژوهش لحاظ شود. البته تفکیک بین دو مفهوم به صورت کامل ممکن نیست و این دو بسیار درهم‌تیله‌اند (موریارتی و هافمن،<sup>۱</sup> ۲۰۱۳)، اما می‌توان به طور خلاصه گفت که خداپندازه یعنی اینکه خدا آن‌گونه است که ما از تجارب و یادگیری‌ها تصور می‌کنیم یا تصور غیرواقعی از خدا (جانبزرگی و سرآبادانی، ۱۳۹۹)؛ به عبارت دیگر خداپندازه یک سازه روان‌شناختی است که نشان می‌دهد فرد نسبت به خدا چه احساسی دارد و اینکه احساس می‌کنند خدا در مورد آنها چه احساسی دارد. خداپندازه، برخلاف خداپنداشت به نوعی ناهوشیار، پیچیده و دارای ماهیتی هیجانی و تجربی است (موریارتی و هافمن، ۲۰۱۳)؛ در مقابل خداپنداشت، یعنی خدا آن‌گونه که خود معرفی می‌کند یا مفهوم واقعی خدا است (جانبزرگی و سرآبادانی، ۱۳۹۹)؛ به دیگر سخن خداپنداشت به درک شناختی فرد از خدا ربط دارد. هافمن<sup>۲</sup> مختصراً خداپنداشت را این‌گونه معرفی می‌کند که خداپنداشت تا حد زیادی هوشیارانه و منطقی و تحت تأثیر آنچه فرد در مورد خدا آموخته می‌باشد و بیشتر تحت تأثیر چیزهایی مانند آموزه‌های دینی والدین، رهبران معنوی و متون مذهبی است (موریارتی و هافمن، ۲۰۱۳). خداپندازه یا تصویر غیرواقعی از خدا می‌تواند با تجارب هیجانی و احساسی فرد ایجاد شود و تصاویر ذهنی والدین روی آنها اثرگذار است. این تصاویر غیرواقعی می‌تواند روابط دیگر افراد را هم تحت تأثیر قرار دهد و در درمان‌های معنوی هم هرگاه ادراک از خدا به صورت واقعی شکل گیرد، عمل واقعی و معنادار ایجاد می‌شود (جانبزرگی و سرآبادانی، ۱۳۹۹). پژوهش‌های مختلفی نشان می‌دهند که خداپندازه با سلامت روان در ارتباط است (ر.ک: جانبزرگی و انصاری، ۱۳۹۵؛ غباری و حدادی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین خداپندازه و خداپنداشت می‌تواند در پیش‌بینی نظم جویی هیجان مؤثر باشد.

در کنار بحث خداپندازه و خداپنداشت، بحث خودپندازه<sup>۳</sup> و خودپنداشت<sup>۴</sup> هم در رویکردهای معنوی و مذهبی، به ویژه رویکردهای معنوی اسلامی نقش پراهمیتی دارد؛ خودپندازه به معنای خود آن‌گونه که از زاویه دیگران ادراک و درونی کرده، و خودپنداشت به معنای خود آن‌گونه که از درون ادراک می‌کنیم و با واقعیت تطابق دارد (جانبزرگی و سرآبادانی، ۱۳۹۹)؛ همچنین خودپنداشت با راهبرد انطباقی نظم جویی هیجان رابطه مثبت و راهبردهای غیرانطباقی نظم جویی

1. Moriarty Glendon L ,Hoffman Louis

2. Hoffman

3. Self image

4. Self concept

هیجان رابطه منفی دارد (هسیه و استراتیت،<sup>۱</sup> ۲۰۱۲). خودپنداره و خودپنداشت با خداپنداره و خداپنداشت هم در ارتباط است (انصاری و جانبزرگی، ۱۳۹۵).

در کنار متغیرهای مذهبی، یکی دیگر از متغیرها که نقش زیادی در بحث نظم جویی هیجان دارد؛ بحث سبک دلبستگی است. بالبی<sup>۲</sup> (۱۹۶۹) دلبستگی را به عنوان پیوندی قوی تعریف می‌کند که بین والد و کودک برقرار و سپس این حالت به روابط فرد با دیگران نیز منتقل می‌شود. پژوهش‌های گوناگونی نشان می‌دهند که دلبستگی با نظم جویی شناختی هیجان در ارتباط است؛ مانند: کیهن<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۹)، هنشل<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۰)، کهواگ<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۰) کرسنین<sup>۶</sup> (۲۰۱۷). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سبک‌های دلبستگی با خداپنداره و خودپنداره نیز در ارتباط می‌باشند (مانند: زارزیکا<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ غباری و حدادی، ۱۳۹۰). جانبزرگی (۱۳۹۸) یکی از اموری را که در ادراک فرد تأثیر می‌گذارد، مباحث تحولی مانند سبک دلبستگی می‌داند. اینسورث<sup>۸</sup> و همکارانش (۲۰۱۵) چهار نوع سبک دلبستگی ایمن، دوسوگرا اضطرابی، اجتنابی و سرگردان را معرفی می‌کنند.

در میان مطالعات بررسی رابطه دلبستگی و نظم جویی شناختی هیجان، برخی به نقش واسطه‌ای نیرومندی من اشاره کرده‌اند (پشارت و همکاران، ۱۳۹۴)؛ همچنین با توجه به نظریه اریکسون نیرومندی من در نظام اریکسون بسیار تحت تأثیر مباحث مذهبی و معنوی است (مارکستروم و همکاران، ۱۹۹۷) و نیز هویت معنوی در رویکرد درمان چندبعدی معنوی مذهبی تحت تأثیر خداپنداره/خداپنداشت و خودپنداره/خودپنداشت می‌باشد و هویت معنوی با هویت اریکسون در ارتباط است (مارکستروم و همکاران، ۲۰۰۷). اریکسون نیرومندی من را این چنین تعریف می‌کند که نیرومندی من صفات خاصی است که در مراحل متوالی زندگی به انسان زندگی و انگیزه می‌دهد (همان). نیرومندی من به داشتن هشت ویژگی برای انسان در مراحل تحول روانی اجتماعی اشاره دارد؛ این ویژگی‌ها عبارتند از: امید، اراده، هدف، شایستگی، وفاداری، عشق، مراقبت و خرد (مارکستروم و همکاران، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۷).

1. Hsieh Manying ,Straight Anne Dopkins

2. Bowlby.J

3. Ceyhan E

4. Henschela S

5. Kahwagi RM

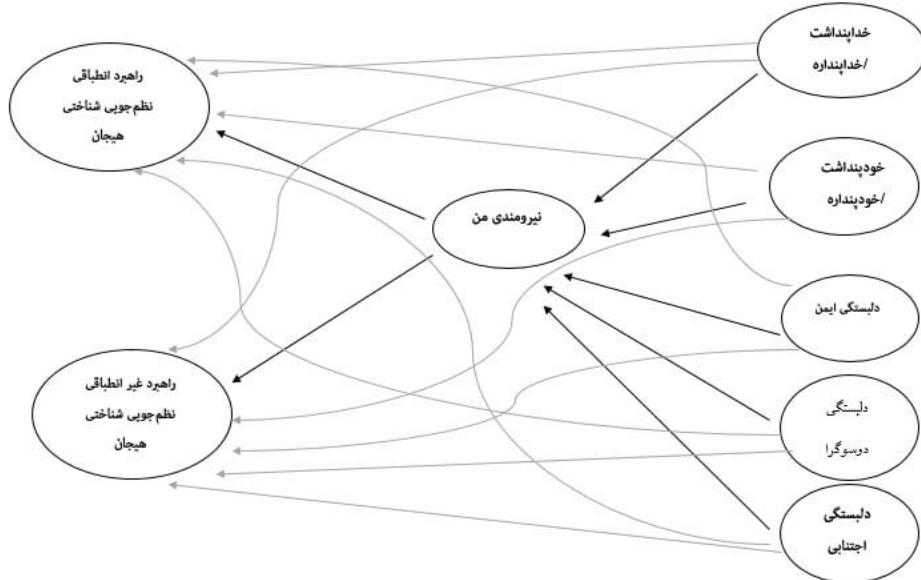
6. Kerstine S

7. Zarzycka

8. Ainsworth

9. Markstrom Carol A

با توجه به پژوهش‌ها می‌توان گفت بین خداپنداشت/خداپنداش، خودپنداش/خودپنداش و سبک دلستگی با نظم جویی شناختی هیجان ضمن در نظر گرفتن نیرومندی من به عنوان یک مکانیسم واسطه‌ای رابطه وجود دارد و نیز با نظر به اهمیت نقش نظم جویی شناختی هیجان در بحث سلامت روان که می‌تواند مداخله آن در پیشگیری اختلال‌های روانی یا درمان آنها و همچنین بهبود کیفیت زندگی تأثیر گذارد، بهتر است مداخلات ما چندسازه اثرگذار بر نظم جویی شناختی هیجان را هدف قرار دهند که بتواند در نظم جویی شناختی هیجان نقش داشته باشد. مبنای این نوع کارها مدل‌های مفهومی برآمده از پژوهش‌ها است. پس به منظور بررسی تأثیر مفاهیم خداپنداش/خداپنداش، خودپنداش/خودپنداش و سبک دلستگی با میانجی‌گری نیرومندی من بر نظم جویی شناختی هیجان می‌توان مدلی را برای بررسی مسیرها ارائه کرد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد متغیر خداپنداش-خودپنداش و سبک دلستگی در کنار هم با نظم جویی شناختی هیجان و نیز این متغیرها با میانجی‌گری نیرومندی من در رویکرد اریکسون مورد پژوهش قرار نگرفته است و با توجه به اهمیت این مباحث در فرهنگ ایرانی که تقریباً جامعه مذهبی است، مسئله پژوهش حاضر این است که آیا الگوی طراحی شده در مورد تأثیر خداپنداش، خودپنداش و سبک دلستگی بر نظم جویی شناختی هیجان با توجه به نقش واسطه‌ای نیرومندی من در نمونه مورد نظر از برآش مناسبی برخوردار است؟



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع طرح‌های همبستگی و مبتنی بر روابط ساختاری (مدل‌سازی معادلات ساختاری) است که از مدل‌های علی برای بررسی روابط متغیرها استفاده می‌شود. مدل‌یابی معادلات ساختاری بر پایه فرضیه‌هایی درباره وجود روابط علی بین متغیرها و مدل‌های علی را با دستگاه معادله خطی آزمون می‌کند. در این پژوهش خداپنداوه/خودپنداوه و سبک‌های دلбستگی متغیر پیش‌بین، نظم‌جویی شناختی هیجان متغیر ملاک و نیرومندی من به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شده است.

### آزمودنی

(الف) جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه تهران (پردیس فارابی) با تعداد ۸۸۱۶ نفر و دانشگاه شاهد تهران با تعداد ۵۴۳۷ نفر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ است.

(ب) نمونه پژوهش: روش نمونه‌گیری به سبب شرایط موجود در دوران همه‌گیری ویروس کرونا، روش نمونه‌گیری در دسترس و نمونه از جامعه همه دانشجویان مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری این دو دانشگاه است. برای حجم نمونه پیشنهاد جیمز استیونس در تحلیل رگرسیون چندگانه، پانزده مورد برای هر متغیر است که با توجه به ارتباط معادلات ساختاری با رگرسیون چندمتغیری، این تعداد برای معادلات ساختاری هم حتماً مفید می‌باشد. البته بتتلر و چود در معادلات ساختاری و تحلیل‌های SEM پنج مورد را کاهش می‌دهند، پس ده مورد برای هر متغیر قابل قبول است (هومن، ۱۳۹۵)؛ همچنین بنا به پیشنهاد دیاماونتوپولوس<sup>۱</sup> و سیگاوا<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) مبنی بر ۲۰۰ نفر به عنوان حداقل حجم نمونه معتبر برای مطالعات مربوط به مدل‌سازی، لوهلین<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) تأکید کرده است که برای استفاده از روش «مدل‌سازی معادلات ساختاری»، حداقل حجم نمونه ۱۰۰ نفر و حجم نمونه مطلوب ۲۰۰ نفر باشد. کلاین<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) حجم نمونه ۲۰۰ نفری را توصیه می‌کند. با توجه به این مطالب حجم نمونه ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های شاهد و تهران، پس از ریزش آزمون‌های ناقص برای تحلیل لحاظ شد. افراد برای ورود به این پژوهش نیاز بود که موارد زیر را داشته باشند: دانشجو بودن، رضایت به شرکت در پژوهش، داشتن حوصله و زمان کافی برای تکمیل پرسشنامه‌ها.

1. Diamantopoulos,

2. Loehlin ,J.C

3. Kline ,R.B

### ابزارهای پژوهش

ابزار گردآوری این پژوهش داده‌ها شامل چهار پرسشنامه بود که به توضیح هر یک از آنها می‌پردازیم:

۱. پرسشنامه خداپندازه-خودپندازه برای مداخلات معنوی: جانبازگری این آزمون را در سال ۱۳۹۹ ساخته است. تعداد گویه‌های این آزمون ۴۰ گویه و نحوه نمره‌گذاری لیکرت چهار گزینه‌ای از ۱ (کاملاً موافق) تا ۴ (کاملاً مخالف) می‌باشد. این آزمون چهار زیرمقیاس دارد که عبارتند از: الف) خداپندازه شامل سؤالات ۲، ۸، ۴، ۱۰، ۹، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۰، ۲۳، ۲۵؛ ب) خداپنداشت شامل سؤالات: ۱، ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۲، ۲۴؛ ج) خودپندازه شامل سؤالات از قسمت دوم آزمون: ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۲، ۱۱، ۱۰ و د) خودپنداشت شامل سؤالات از قسمت دوم آزمون: ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۵. این آزمون نمره کل ندارد. اعتبار و پایایی این آزمون در داخل سنجیده می‌شود که به این شرح است: برای اعتبار صوری این آزمون نخست به صورت کیفی نظر چهار روان‌شناس متخصص پرسیده شد، سپس برای سنجش اعتبار محتوای کمی این آزمون نظر ده متخصص دریافت و بر اساس فرمول CVI به ده روان‌شناس ارائه شد و پذیرش آیتم‌ها براساس نمره CVI بالاتر از ۰/۷۹ اتفاق افتاد. سؤالات قسمت اول، ۲۷ سؤال بود که دو سؤال به سبب CVI حذف شد. اعتبار هم‌مان این آزمون با پرسشنامه ادراک خدا محاسبه گردید که همبستگی ۰/۴۶۹ و معنadar گزارش شده است. برای سنجش پایایی، همبستگی آزمون مجدد خداپندازه ۰/۸۰۶ در سطح اطمینان ۰/۰۰۱ و برای خودپندازه برابر ۰/۵۸۲ در سطح اطمینان ۰/۰۰۱ و معنادار است. در زمینه ضریب همسانی درونی، آلفای کرونباخ کل قسمت اول آزمون، ۰/۷۴ و خداپندازه ۰/۸۰۱، خداپنداشت ۰/۷۳۳ گزارش شده و آلفای کرونباخ کل قسمت دوم آزمون، ۰/۶۳۹، خودپندازه ۰/۷۴۵، خودپنداشت ۰/۵۲۲ گزارش شده است؛ همچنین برای تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه از راه روش چرخش و تکرار واریماکس، شاخص KMO برای خداپندازه مساوی ۰/۸۵۲ و برای خودپندازه ۰/۷۵۴ به دست آمده است (جانبازگری و سرآبادانی، ۱۳۹۹).

۲. پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان (P-CERQ): گارنفسکی و همکارانش در سال ۲۰۰۶ نسخه اصلی پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان را ساختند، اما در سال ۲۰۰۶ گارنفسکی و کرایج نسخه کوتاه را تهیه کردند. تعداد گویه‌های این آزمون ۱۸ گویه است. نحوه نمره‌گذاری این آزمون در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) صورت می‌گیرد. این آزمون نه زیرمقیاس دارد که هر کدام دو سؤال را به خود اختصاص می‌دهند؛ زیرمقیاس‌های این آزمون عبارتند از: ملامت خویش (سؤالات ۴، ۱۴)، پذیرش (۱، ۵)،

نشخوارگی (۶، ۲)، تمرکز مجدد مثبت (۷، ۱۱)، تمرکز مجدد در برنامه‌ریزی (۱۵، ۱۲)، ارزیابی مجدد مثبت (۳، ۸)، دیدگاه‌گیری (۱۳، ۱۶)، فاجعه‌سازی (۹، ۱۷)، ملامت دیگران (۱۰، ۱۸). البته از این مقیاس‌ها دو مقیاس کلی انطباقی و غیرانطباقی هم قابل استخراج است. راهبرد انطباقی میانگین نمرات مقیاس‌های دیدگاه‌گیری، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی است. برای راهبرد غیرانطباقی میانگین زیرمقیاس‌های ملامت خود، ملامت دیگران، نشخوارگی و فاجعه‌سازی محاسبه می‌شود. در ویژگی‌های روان‌سنجه این آزمون در خارج از کشور گارنفسکی و کراچی ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را بین ۰/۸۱ و اعتبار بیرونی آن را با استفاده از زیرمقیاس‌های اضطراب و افسردگی سیاهه نشانگان روان‌شنختی بین ۰/۵۵ تا ۰/۲۱ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز حسنی این آزمون را مورد مطالعه قرار داد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ تا ۰/۹۲ برای نسخه اصلی و ۰/۷۶ تا ۰/۸۲ برای فرم کوتاه را گزارش کرد. اعتبار همزمان این مقیاس با سیاهه افسردگی بک بین ۰/۲۱ تا ۰/۴۵ در ۰/۰۰۱ <P گزارش شده و ماتریس بار عاملی این آزمون نشان داد که همه بیش از ۰/۴ است. ضریب بازآزمایی بین ۰/۵۱ تا ۰/۷۷ گزارش شده است. پس ویژگی‌های روان‌سنجه مناسبی را می‌توان برای این آزمون در نظر گرفت (اخوان و همکاران، ۱۳۹۷؛ حسنی، ۱۳۹۰).

۳. پرسشنامه سبک دلستگی کولینز و رید: این مقیاس در سال ۱۹۹۰ توسط کولینز و رید ساخته شد. این آزمون هجدۀ گویه دارد. نحوه نمره‌گذاری پنج گزینه‌ای لیکرتی است که از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس از سه زیرمقیاس تشکیل شده است. زیرمقیاس نزدیک بودن (A) که سبک دلستگی اضطرابی / دو سوگرا را می‌سنجد. سؤالاتی که این زیرمقیاس را سنجش می‌کنند؛ عبارتند از: ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵. زیرمقیاس وابستگی (D) که معکوس سبک دلستگی اجتنابی را می‌سنجد. سؤالاتی که این زیرمقیاس را سنجش می‌کنند؛ عبارتند از: ۲، ۵، ۷، ۱۴، ۱۶، ۱۸. البته سؤال‌های ۵، ۱۶ و ۱۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. زیرمقیاس نزدیک بودن (C) که سبک دلستگی ایمن را می‌سنجد. سؤالاتی که این زیرمقیاس را سنجش می‌کنند؛ عبارتند از: ۱، ۶، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۷. البته سؤال‌های ۶، ۸ و ۱۷ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. کولینز و رید آلفای کرونباخ را مقیاس ۰/۶۹<sup>C</sup>، مقیاس ۰/۷۵<sup>D</sup> و مقیاس ۰/۷۲<sup>A</sup> گزارش کرده‌اند. پاکدامن (۱۳۸۵) از کولینز و رید نقل می‌کند که در فاصله زمانی ۲ و ۸ ماه ثابت می‌ماند و آلفای کرونباخ آنها بالای ۰/۸۰ می‌باشد که نشان از اعتبار بالاست. در ایران نیز پاکدامن با استفاده از روشی به صورت همبستگی بین دو اجرا بر روی نمونه با حجم ۱۰۰ نفر را بررسی کرد و تفاوت بین دو اجرا را معنادار ندانست؛ پس این آزمون در ۰/۹۵

قابل اعتماد است. تیموری و همکارانش (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود پایایی زیرمقیاس C:0/73، A:۰/۶۸ و D:۰/۷۴ را گزارش کرده‌اند؛ همچنین زیباکردار در ایران ویژگی‌های روان‌سنجه‌ی را این‌گونه گزارش می‌کند: آلفای کرونباخ برابر با  $0.718$  می‌باشد و اعتبار سازه پرسشنامه با تحلیل عاملی بررسی شده و مقدار کفايت نمونه‌برداری برابر با  $0.748$  است. نتایج تحلیل عاملی با چرخش واریماکس به استخراج سه عامل انجامید که بر روی هم  $0.695$  از واریانس کل را تبیین می‌کند و  $0.156$  از واریانس کل مربوط به عامل اول و  $0.142$  از واریانس کل مربوط به عامل دوم و  $0.095$  از واریانس کل مربوط به عامل سوم می‌باشد (زیباکردار و همکاران، ۱۳۹۲).

۴. پرسشنامه نیرومندی من: مارک استروم و همکارانش در سال ۱۹۹۷ این پرسشنامه را ساختند. این آزمون ۳۲ گویه دارد. نحوه نمره‌گذاری این آزمون به شیوه لیکرتی پنج گزینه‌ای از ۵ (کاملاً موافق) تا ۱ (کاملاً مخالف) است. این پرسشنامه هشت زیرمقیاس دارد که عبارتند از: امید؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجدند؛ عبارتند از: ۸، ۲۱، ۲۴، ۲۹ و ۲۹ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). اختیار؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجدند؛ عبارتند از: ۱، ۱۲ و ۱۵ (سؤال ۱ و ۱۵ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). هدف؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجدند؛ عبارتند از: ۹، ۱۶، ۲۲ و ۳۱ (سؤال ۹ و ۲۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). کارایی؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجدند؛ عبارتند از: ۵، ۶، ۱۷ و ۱۹ (سؤال ۵ و ۱۷ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). پاییندی؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجدند؛ عبارتند از: ۱۱، ۱۳، ۲۳ و ۲۶ (سؤال ۲۳ و ۲۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). عشق؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجدند؛ عبارتند از: ۳، ۷، ۲۰ و ۳۰ (سؤال ۷ و ۲۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). مراقبت؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجدند؛ عبارتند از: ۴، ۱۰، ۱۸ و ۲۸ (سؤال ۱۸ و ۲۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). خرد؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجدند؛ عبارتند از: ۲، ۱۴، ۲۵ و ۲۷ (سؤال ۱۴ و ۲۵ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). اعتماد صوری و محتوایی این پرسشنامه از سوی چند تن از شاگردان اریکسون مورد تأیید قرار گرفته است. اعتماد هم‌زمان این مقیاس نیز با مقیاس‌های مختلف نشان از اعتبار بالای این مقیاس دارد. مارکستروم اعتبار آن را با روش ضریب آلفای کرونباخ  $0.68$  گزارش کرده است. آلفای کرونباخ گزارش شده برای زیرمقیاس‌های این آزمون بین  $0.52$  تا  $0.84$  گزارش می‌شود. آلفای کرونباخ کل مقیاس هم  $0.93$  به دست آمده است. اعتبار هم‌زمان آن نیز با ارزیابی پیشرفت هویت، عزت نفس، هدف در زندگی، منبع کنترل درونی و نقش‌های جنسی نشان داده و اعتبار افتراقی آن نیز با همبستگی منفی بین نیرومندی من و ناامیدی، اغتشاش هویت و درماندگی

شخصی مشخص شده است (مارکس‌تروم و همکاران، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۷؛ فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵). در ایران نیز الطافی و حیدری نسب (۱۳۹۰) بر روی نمونه‌ای ایرانی ۹۱/۰ و پایایی دونیمه‌سازی مقیاس را ۷۷/۰ گزارش کرده‌اند. فرم ۳۲ سوالی نیز از اعتبار و اعتبار مناسبی برخوردار است؛ مارکس‌تروم آلفای ۹۱/۰ را گزارش می‌کند. در ایران نیز در پژوهش حقیقت آلفای ۸۶/۰ گزارش شده است (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵)؛ همچنین رسول‌زاده طباطبایی و همکارانش (۱۳۸۸) آلفای کرونباخ فرم ۳۲ سوالی را ۸۶/۰ گزارش کرده‌اند.

### شیوه انجام پژوهش

نخست پرسشنامه‌های مورد نظر در یک بستر (پلتفرم) قرار داده، لینکی از آن استخراج شد و این لینک در اختیار افراد قرار گرفت که افراد با ورود به این لینک به بخش تکمیل پرسشنامه‌ها بروند. با توجه به حجم نمونه نیاز بود که جمعیت ۲۵۰ نفر نمونه از دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شاهد برای پژوهش انتخاب شوند؛ تنها شرط افراد انتخاب شده دانشجو بودن در این دانشگاه‌ها بود که تنها یک بار پرسشنامه‌های مورد نظر را تکمیل خواهند کرد و هیچ مداخله‌ای در این پژوهش اتفاق نخواهد افتاد. برای این کار دانشجویان مختلف در دانشگاه‌های تهران و شاهد به شیوه نمونه در دسترس به وسیله پژوهشگر انتخاب شدند و لینک در اختیار این افراد قرار گرفت تا پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند. برای ارتباط با دانشجویان از راه‌های مختلفی استفاده شد؛ مانند ارتباط با اساتید دانشگاه‌ها و ارتباطگیری با دانشجویان از سوی اساتیدشان، ورود در گروه‌های مختلف دانشجویان در پیام‌رسان‌ها و ارائه لینک پرسشنامه‌ها و توضیح در مورد شیوه پژوهش. هیچ محدودیتی در زمان، مکان و... در مورد تکمیل پرسشنامه‌ها نبود. هر زمان و هر جایی می‌توانستند در بستر اینترنتی پرسشنامه‌های مورد نظر را تکمیل کنند. اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌ها تجمعی شد؛ اطلاعات به درد نخور و سوخته مثل پرسشنامه‌های تکمیل نشده از روند پژوهش حذف گردید و سایر اطلاعات آمده تحلیل قرار گرفت. اطلاعات جمع‌آوری شده به وسیله نرم افزارهای مختلف که در بخش تعزیه و تحلیل بیان شد، مورد تعزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. برای ورود به این پژوهش اجباری وجود نداشت و افراد با رضایت خودشان وارد این پژوهش شدند.

### شیوه تحلیل داده‌ها

در این پژوهش جهت تعزیه و تحلیل داده، افزون بر استفاده ضرایب همبستگی پیرسون با استفاده از SPSS26 برای بررسی مدل ارائه شده براساس روش معادلات ساختاری (SEM)، نرم‌افزار لیزرل نیز به کار رفت.

### یافته‌ها

پیش از بررسی فرضیه‌های پژوهش و به کارگیری روش‌ها و آزمون‌های آماری لازم است مفروضه‌های لازم برای تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد بررسی قرار گیرد؛ بدین منظور نخست مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌ها با آزمون کولموگروف-اسمیرنف بررسی شد. با توجه به عدم معناداری مقدار آزمون کولموگروف می‌توان توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق را نرمال فرض کرد. نتایج این آزمون در جدول ۱ ذکر آمده است.

جدول ۱. مقدار آزمون کولموگروف-اسمیرنف

معناداری	مقدار آزمون کولموگروف-اسمیرنف	متغیرها
۰/۲	۱/۰۷	خداینداشت
۰/۰۵۶	۱/۳۷	خدایندا
۰/۱	۱/۶۳	خودپنداره
۰/۱	۱/۶۳	خودپنداشت
۰/۲	۱/۸۸	سبک دلستگی این
۰/۱۵	۱/۱۴	سبک دلستگی دوسوگرا
۰/۱	۱/۶۴	سبک دلستگی اجتنابی
۰/۰۶	۰/۹۴	مؤلفه انطباقی نظم جویی
۰/۲۵	۲/۰۴	مؤلفه غیر انطباقی نظم جویی
۰/۴۱	۰/۸۸	نمودار کل توانمندی من

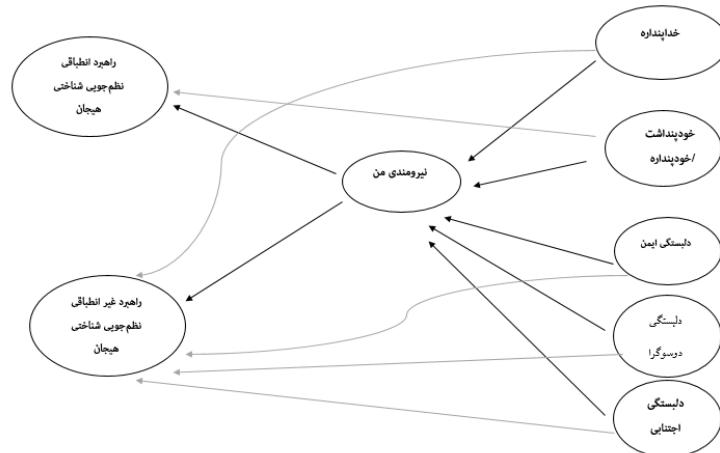
نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد که همبستگی‌های بین متغیرهای پژوهش حاضر، بیشتر معنادار هستند. با توجه به اینکه در این پژوهش زیرمقیاس‌های متغیر نظم جویی شناختی هیجان لحاظ نشده و دو زیرمقیاس کلی (نظم جویی انطباقی و غیرانطباقی) لحاظ شده است که از مجموع چند زیرمقیاس به دست می‌آید و نیز زیرمقیاس‌های نیرومندی من در این پژوهش لحاظ نشده است؛ در جدول، نه زیرمقیاس نظم جویی شناختی هیجان و هشت زیرمقیاس نیرومندی من ذکر نشده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

نیرومندی من	دلستگی اجتنابی	دلستگی دوسوگرا	دلستگی این	دلستگی خودپنداشت	خودپنداره	خدایندا	خداینداشت	عنوان	
۰/۵۰۹	۰/۰۹۶	۰/۲۶۶	۰/۱۱۹	۰/۳۸۵	-۰/۴۲	۰/۱۴۵	۰/۲۶۴	ضریب	نظم جویی انطباقی
۰/۰۰۰	۰/۱۲۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۲۲	۰/۰۰۰		معناداری
-۰/۴۹۷	-۰/۲۲۱	۰/۵۰۰	-۰/۳۰۸	-۰/۲۲۶	۰/۱۶۵	۰/۰۹۷	-۰/۱۹۹	ضریب	نظم جویی غیرانطباقی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	۰/۱۷۱	۰/۰۰۲		معناداری
۱	۰/۲۳۹	-۰/۵۴۴	۰/۳۱۹	۰/۵۷۷	-۰/۱۷۰	۰/۱۳۶	۰/۴۲۹	ضریب	نیرومندی من
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰		معناداری

در ادامه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و همچنین معناداری آن با استفاده از روش تحلیل مسیر بررسی شد؛ به منظور ارزیابی و بررسی ساختار ارتباطی متغیرهای موجود در مدل پیشنهادی پژوهش و نیز آزمون نقش واسطه‌گری متغیر نیرومندی من در رابطه میان سبک های دلبستگی و خداپندازه-خودپندازه با متغیر نظم جویی شناختی هیجان؛ هر یک از مراحل مطرح شده در مدل به عنوان یک مدل جداگانه با استفاده از روش آماری تحلیل مسیر مورد آزمون قرار گرفت.

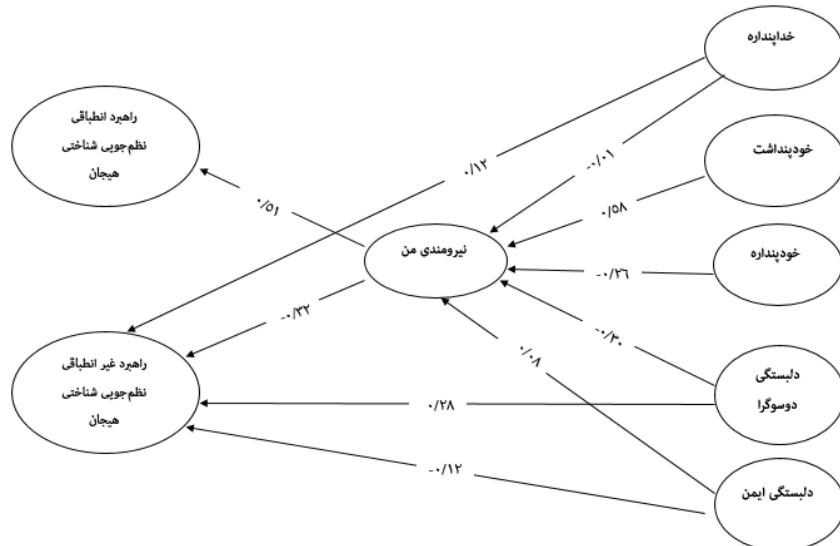
در بررسی رابطه مستقیم متغیرهای مستقل و وابسته برخی از مسیرها معنادار بودند، اما برخی از مسیر معنادار نشدند؛ مسیر خودپندازه (با ضریب تأثیر استاندارد:  $-0.098$ ) و خودپنداشت (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0.031$ ) با راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان معنادار و مسیر خداپنداشت (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0.023$ )، خداپندازه (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0.020$ )، سبک دلبستگی ایمن (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0.010$ )، سبک دلبستگی دوسوگرا / اضطرابی (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0.008$ )، سبک دلبستگی دوسوگرا (با ضریب تأثیر استاندارد:  $-0.007$ ) با راهبرد انطباقی تنظیم شناختی هیجان غیرمعنادار است و مسیر خداپندازه (با ضریب تأثیر استاندارد:  $-0.016$ ) و سبک دلبستگی ایمن (با ضریب تأثیر استاندارد:  $-0.028$ )، سبک دلبستگی دوسوگرا / اضطرابی (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0.034$ )، سبک دلبستگی اجتنابی (با ضریب تأثیر استاندارد:  $-0.023$ ) با راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان معنادار و مسیر خداپنداشت (با ضریب تأثیر استاندارد:  $-0.012$ )، خودپندازه (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0.055$ )، خودپنداشت (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0.008$ ) و  $(-0.011)$ ، با راهبرد غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان غیرمعنادار است. با توجه به عدم معناداری برخی مسیرهای مستقیم اصلاح مدل ضروری می‌باشد. مدل اصلاح شده اولیه در نمودار ۲ مشخص شده است. در این مدل مسیرهای نظم جویی انطباقی غیر از مسیر خودپندازه/خودپنداشت و همچنین خداپنداشت به صورت کلی از مدل حذف شد.



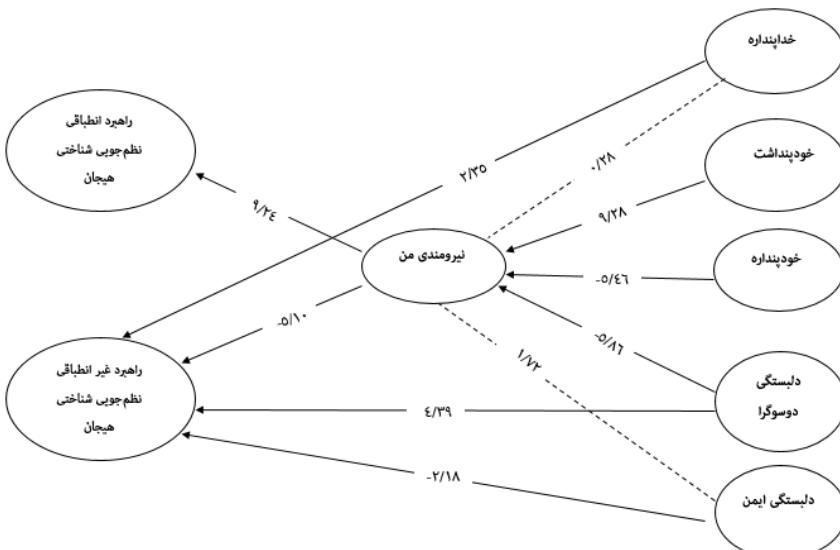
نمودار ۲. مدل اصلاح شده اولیه

سپس مسیر متغیرهای مستقل را با متغیر میانجی مورد بررسی قرار دادیم که مسیر خودپندازه (با ضریب تأثیر استاندارد:  $-0/25$  و  $-5/25$ ؛  $T=-0/25$ )، خودپنداشت (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0/51$  و  $0/48$ ؛  $T=9/22$ )، سبک دلستگی دوسوگرا/اضطرابی (با ضریب تأثیر استاندارد:  $-0/28$  و  $-5/48$ ؛  $T=-0/48$ )، با نیرومندی من معنادار و مسیر خدایپندازه (با ضریب تأثیر استاندارد:  $-0/01$  و  $-0/04$ ؛  $T=-0/04$ )، سبک دلستگی ایمن (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0/09$  و  $1/81$ ؛  $T=1/81$ )، سبک دلستگی اجتنابی (با ضریب تأثیر استاندارد:  $-0/06$  و  $-1/32$ ؛  $T=-0/06$ ) با نیرومندی من غیرمعنادار بود.

پس از این مسئله مدل اصلاح شده را با وارد کردن متغیر میانجی مورد بررسی قرار دادیم که در این مدل خدایپندازه و خودپنداشت و خودپندازه پیش‌بینی کننده مستقیم راهبرد انتظاقی تنظیم هیجان شناختی نبودند؛ از سوی دیگر سبک دلستگی اجتنابی هم پیش‌بینی کننده معنادار راهبرد غیرانتظاقی تنظیم هیجان شناختی نبود؛ همچنین شاخص‌های برازش مدل نیز در حد مطلوبی قرار نداشتند؛ از این‌رو به اصلاح مدل در گام دوم پرداختیم. نمودارهای ۳ و ۴ نمرات استاندارد و معناداری مسیرها را مشخص می‌کنند و جدول ۳ و ۴ مدل اصلاح شده را نشان می‌دهند. مدل نهایی با اینکه در برخی شاخص‌های برازش در حد مطلوبی قرار ندارند، ولی در مجموع می‌توان با درنظر گرفتن تمامی شاخص‌های برازندگی مدل، مدل تحقیق را قابل قبول دانست. شاخص‌های برازندگی نیز در جدول ۵ آمده است.



نمودار ۳. مدل نهایی پژوهش (استاندارد)



نمودار ۴. مدل نهایی پژوهش (معناداری)

جدول ۳. مسیرهای مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته

متغیرهای مستقل (یا متغیرهای X)	مقصد رابطه: متغیر وابسته (یا متغیرهای Y)	گاما	آماره T	سطح معناداری	تأثیر/ رد
خدابنده	راهبرد غیرانطباقی	.۰/۱۲	۲/۳۵	معنی‌دار	تأثیر
سبک دلبستگی ایمن	راهبرد غیرانطباقی	-.۰/۱۲	-۲/۲۱	معنی‌دار	تأثیر
سبک دلبستگی دوسوگرا	راهبرد غیرانطباقی	.۰/۲۸	۴/۳۴	معنی‌دار	تأثیر

جدول ۴. ضرایب استاندارد مسیرهای غیرمستقیم مدل نهایی

متغیرهای مستقل (یا متغیرهای X)	مقصد رابطه: متغیر وابسته (یا متغیرهای Y)	گاما	ضرایب تأثیر استاندارد (Z sobel)	سطح معناداری	---
خدابنده	راهبرد انطباقی	.۰/۰۱	۰/۲۸	معنادار	---
خودپنداره	راهبرد انطباقی	-.۰/۱۴	۴/۷	معنادار	---
خودپنداشت	راهبرد انطباقی	-.۰/۲۷	۶/۵۵	معنادار	---
سبک دلبستگی ایمن	راهبرد انطباقی	.۰/۰۴	۱/۷	معنادار	---
سبک دلبستگی دوسوگرا	راهبرد انطباقی	-.۰/۱۵	۴/۸	معنادار	---
خدابنده	راهبرد غیرانطباقی	-.۰/۰۰۳	۰/۲۸	معنادار	---
خودپنداره	راهبرد غیرانطباقی	.۰/۰۸	۳/۷۲	معنادار	---
خودپنداشت	راهبرد غیرانطباقی	-.۰/۱۶	۴/۴۷	معنادار	---
سبک دلبستگی ایمن	راهبرد غیرانطباقی	-.۰/۰۳	۱/۸۳	معنادار	---
سبک دلبستگی دوسوگرا	راهبرد غیرانطباقی	.۰/۰۹	۳/۸۵	معنادار	---

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌ها	$\chi^2$	$df$	$\chi^2$	GFI	AGFI	CFI	NFI	NNFI	RMSEA	PGFI
مقدار	۴۹/۸۱	۳/۸۳	.۰/۹۵	.۰/۸۸	.۰/۹۲	.۰/۹۱	.۰/۸۹	.۰/۸۹	.۰/۰۸۹	.۰/۲
ملاک	غیرمعنادار (p=.)۰۰	۴ <	.۰/۹>	.۰/۹>	.۰/۹>	.۰/۹>	.۰/۹>	.۰/۹>	.۰/۰۸<	.۰/۵>

با توجه به مقادیر جدول ۵ و با اینکه مدل برخی شاخص‌های برازش را نگرفته است، اما با توجه به ملاک پذیرش در شاخص‌های مختلف، مدل در شاخص‌های نسبت خی دو به درجه آزادی، NFI، CFI، GFI از شاخص برازش مطلوب برخوردار است و با اینکه در برخی شاخص‌های دیگر در منطقه پذیرش شاخص برازش قرار نگرفته است؛ درنهایت می‌توان گفت مدل تجربی دارای برازش مطلوب و درنتیجه مدل نهایی، مدل مناسبی است.

با توجه به نمودار ۴ و جدول ۳ و تحلیل مسیرها، اثر مستقیم خداپنداوه (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0/12$  و  $T=2/25$ )، سبک دلبستگی ایمن (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0/0$  و  $T=2/24$ ) و سبک دوسوگرا (با ضریب تأثیر استاندارد:  $0/28$  و  $T=4/24$ ) بر راهبرد غیرانطباقی نظم جویی شناختی هیجان معنادار است؛ به عبارت دیگر با وجود میانجی‌گری نیرومندی من، تأثیر مستقیم اینها حذف نشد و خداپنداوه و سبک دلبستگی دوسوگرا تأثیر مستقیم و مثبت و سبک دلبستگی ایمن تأثیر مستقیم و منفی بر راهبرد غیرانطباقی نظم جویی شناختی هیجان داشت؛ همچنین با توجه به جدول ۴، اثر غیرمستقیم (میانجی‌گری نیرومندی من) خودپنداوه، خودپنداشت و سبک دلبستگی دوسوگرا بر راهبردهای انطباقی و غیرانطباقی نظم جویی شناختی هیجان معنادار می‌باشد. پس می‌توان گفت که برخی از متغیرها پژوهش بدون میانجی‌گری اثر می‌گذارد و در برخی دیگر از متغیرها، نیرومندی من نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر تعیین برازش مدل پیشنهادی است که بنابر آن، خداپنداوه/خداپنداشت، خودپنداوه/خودپنداشت و سبک‌های دلبستگی براساس میانجی‌گری نیرومندی من، نظم جویی شناختی هیجان را پیش‌بینی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین خداپنداشت، خودپنداشت، خودپنداشت و سبک‌های دلبستگی با نظم جویی شناختی هیجان و نیرومندی من، طبق فرضیات پژوهش رابطه معنادار وجود دارد. این یافته‌ها همسو با نتایج مطالعات مختلفی است که برخی اشاره می‌کنند؛ مانند ویشکین و همکاران (۲۰۱۹)، لاثورین و همکاران (۲۰۱۱)، هسیه و استریپ (۲۰۱۲)، هنسل و همکاران (۲۰۲۰)، کیهن و همکاران (۲۰۱۹)، اخوان و همکاران (۱۳۹۷) و عبود و ایدری (۲۰۲۰).

همان‌طور که در یافته‌ها بیان شد، برخی از زیرمقیاس‌ها از مدل نهایی حذف شدند و ما ناگزیر به اصلاح مدل شدیم؛ بر این اساس در مدل نهایی خداپنداوه و سبک دلبستگی ایمن به صورت مستقیم نظم جویی غیرانطباقی را پیش‌بینی می‌کنند و خودپنداشت، خودپنداشت و سبک دلبستگی دوسوگرا با میانجی‌گری نیرومندی من، نظم جویی شناختی انطباقی و غیرانطباقی را پیش‌بینی می‌کنند. مدل مفهومی حاضر در پژوهش‌ها بررسی نشده است، اما بخش رابطه سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری نیرومندی من با نظم جویی شناختی هیجان با پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۹۴) همسو می‌باشد.

اینکه برخی از زیرمقیاس‌ها از مدل حذف شد، می‌تواند به این علت باشد که مدل پیشنهادی

براساس پیشینه تدوین شده بود که بیشتر به روابط همبستگی و رگرسیونی متغیرها می‌پردازد و این شیوه‌ها نمی‌توانند اثرهای غیرمستقیم را بررسی کنند؛ همچنین می‌توان گفت مدل در مورد نمونه ۲۵۰ نفری از دانشجویان و به صورت آنلاین در شرایط کرونا انجام شده بود و این امر خود می‌تواند در یافته‌ها و نتایج تأثیرگذار باشد؛ بدین ترتیب می‌توانیم بگوییم که این نتایج در مورد این نمونه است. هم‌چنین زیر مقیاس خداپنداشت از مفاهیمی سخت است که می‌تواند علت حذف باشد و نیز حذف سبک دلستگی اجتنابی همسو با پیشینه پژوهشی مانند پژوهش اخوان و همکاران (۱۳۹۷) است.

برای تبیین این بحث باید بگوییم که بحث پندازه<sup>۱</sup> و پنداشت<sup>۲</sup> نقش مهمی در تبیین این مسئله دارند؛ زیرا پندازه تصویر ساختگی و غیرواقعی و پنداشت تصویر واقعی و تجربه شده افراد می‌باشند. این امر هم می‌تواند به حوزه ادراک مبدأ (خدا) مربوط باشد و هم به حوزه ادراک خود. با توجه به این مطلب خداپندازه و خودپندازه چون تصویر ساختگی و غیرواقعی و مبتنی بر هیجان‌های دوران کودکی می‌باشند، با نظم جویی انطباقی رابطه منفی و با نظم جویی غیرانطباقی رابطه مثبت دارند؛ همچنین این دو به سبب اینکه مسیر آسیب هستند، روی نیرومندی من هم اثر منفی دارند درحالی که خودپنداشت به دلیل واقعی و عقلانی بودن روی نظم جویی انطباقی اثر مثبت و روی نظم جویی غیرانطباقی اثر منفی دارد و نیز روی نیرومندی من هم اثر مثبت دارد (جان‌بزرگی، ۱۳۹۸).

نیرومندی من می‌تواند تحت تأثیر نحوه تعامل والدین با کودک که نمود آن در دلستگی مشهود است و همچنین بحث دین و مذهب باشد. (مارکستروم، ۲۰۰۷)؛ درنتیجه این دو می‌توانند نیرومندی من را پیش‌بینی کنند و نیرومندی من با چنین راهبردهایی روی نظم جویی شناختی هیجان تأثیر گذارد: ۱. مکانیزم تاب‌آوری؛ ۲. استفاده از راهبردهای دفاعی رشدیافته؛ ۳. استفاده از راهبردهای کارآمد مقابله با تندگی؛ همچنین نیرومندی من می‌تواند مهارت حل مسئله را در افراد تقویت کند و می‌توان گفت که راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان از مؤلفه‌های سبک مقابله مسئله محور به شمار می‌روند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۴).

سبک‌های دلستگی ارتباط زیادی با بحث هیجان و نظم جویی و تعدیل هیجان دارد و هنگامی که سالم شکل نگیرد، افراد نمی‌توانند احساس اینمی کنند؛ پس امکان شناخت هیجان منفی و تعدیل آن کمتر می‌شود. در رویکرد دلستگی کیفیت دسترس‌پذیری و کیفیت موضوع دلستگی که

1. image

2. Concept

همان مادر می‌تواند باشد، بنابر پاسخگویی مادر به نیازها و... ایجاد و یکی از منابع اصلی تنواع راهبردهای نظم‌دهی عواطف و احساس‌ها شمرده می‌شود (بالبی، ۱۹۷۳)؛ به عبارت دیگر وقتی افراد دارای سبک دلبستگی مناسب هستند، به صورت سازش‌یافته‌تری با واقعی و هیجان‌های منفی و مثبت برخورد می‌کنند. پس سبک دلبستگی از عوامل بیرونی نظم‌جویی هیجان است، چون سبک دلبستگی شامل راهبردهای رفتاری، عاطفی، شناختی است که می‌تواند سبب فعال‌سازی، ابراز یا مانع ایجاد هیجان شود و یا اینکه هیجان را تعییر یا سرکوب کند و این راهبردها براحتی در فرایند نظم‌جویی هیجان اثرگذارند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۶).

در رویکرد بالبی، دلبستگی از سوی یک مراقب ایجاد می‌شود (بالبی، ۱۹۷۳) و برخورد درست او سبب شکل‌گیری سبک دلبستگی سالم و برخورد ناسالم، سبب ایجاد سبک دلبستگی ناسالم می‌شود. افرادی که مراقب مطمئن داشته‌اند، مراحل تحولی خود را درست پیش رفته و توانسته‌اند نیازهای تحولی خود را تأمین کنند و این مسئله سبب ایجاد یک من مستحکم و قوی در افراد می‌شود. این من قوی دارای نیرومندی من بالاست. پس می‌توان این یافته‌ها را این‌گونه تبیین کرد که سبک‌های دلبستگی ایمن موجب نیرومندی من شده‌اند و در مقابل افرادی که سبک دلبستگی ایمن را تجربه نکرده، نیرومندی من را نیز تجربه نکرده‌اند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۴).

در پایان این نکته ضروری است که پژوهش پیش‌رو با محدودیت‌هایی رو به رو بود که می‌تواند در تعمیم نتایج مشکلاتی ایجاد کند؛ از جمله این محدودیت‌ها مقطعی و از نوع همبستگی بودن طرح پژوهش، نمونه غیربالینی و دانشجویی، اجرای آزمون به صورت آنلاین، اجرای آزمون‌ها به صورت خودگزارشی که می‌تواند با بی‌دقیقی همراه باشد، اجرای آزمون در شرایط پاندمی کرونا و به صورت روش نمونه‌گیری در دسترس و بررسی نکردن زیرمقیاس‌های برخی از متغیرها. پس پیشنهاد می‌شود که نمونه این پژوهش در گروه‌های بالینی، افرادی که درمان چندبعدی معنوی را دریافت کده‌اند، در نمونه‌های بزرگ‌تر نیز تکرار شود؛ همچنین تحلیل زیرمقیاس‌های برخی متغیرها مانند نیرومندی من در پژوهش‌های بعدی بسیار سودمند است.

## منابع

۱. اخوان، فاطمه؛ محمدرضا شعیری و محمد غلامی (۱۳۹۷)، «روابط ساختاری سبک دلستگی با پریشانی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان»، مجله روان‌شناسی بالینی، دوره ۱۰، ش. ۳، ص. ۶۳-۷۵.
۲. انصاری، حسن و مسعود جان‌بزرگی (۱۳۹۵)، «بررسی ارتباط خداپندازه با خودپندازه، بررسی ارتباط در درمان مذهبی (معنوی) اختلالات روانی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، دوره ۱۰، ش. ۱۹، ص. ۱۱۵-۱۳۰.
۳. بشارت، محمدعلی؛ ساره تاجدین و مسعود غلامعلی (۱۳۹۶)، «نقش میانجی‌گر دشواری نظم‌جویی هیجان در رابطه سبک‌های دلستگی و تعارضات زناشویی»، علوم روان‌شناختی، دوره ۱۶، ش. ۶۱، ص. ۲۰-۴۴.
۴. بشارت، محمدعلی؛ محمدمهری اسدی و فهیمه تولا‌ییان (۱۳۹۴)، «نقش واسطه‌ای استحکام من در رابطه بین سبک‌های دلستگی و راهبردهای نظم‌دهی شناختی هیجان»، روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، دوره ۱۲، ش. ۴۶، ص. ۱۰۷-۱۱۹.
۵. پاکدامن (۱۳۸۵)، «بررسی ارتباط بین دلستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانان»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران.
۶. تیموری، علی؛ مسعود غلامعلی لواسانی و علیرضا بخشایش (۱۳۹۱)، «پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک دلستگی و خودمتمایزسازی»، خانواده‌پژوهی، دوره ۸، ش. ۳۲، ص. ۴۴۱-۴۶۳.
۷. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۵)، «درمان چندبعدی معنوی: امکان تبیین پدیده‌های روانی (سلامتی و اختلال) با سازه‌های معنوی شخصیت بر اساس منابع دینی»، روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ش. ۲۷، ص. ۱۷۳-۱۸۹.
۸. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۸)، درمان چندبعدی معنوی: یک رویکرد خداسو برای مشاوره و روان‌درمانگری (فنون و برنامه‌ها)، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. جان‌بزرگی، مسعود و آسا سرآبادانی (۱۳۹۹)، «اعتبار روابی و ساختار عاملی پرسش‌نامه خودپندازه-خداپندازه برای مداخله‌های معنوی»، فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌سنجی، ش. ۳۳، ص. ۴۵-۶۲.

۱۰. جان‌بزرگی، مسعود و حسن انصاری (۱۳۹۵)، «بررسی اثربخشی درمان‌شناختی رفتاری مبتنی بر پیش‌فرض‌های خداپندازه، خودپندازه و آخرت‌پندازه بر شدت اختلال وسوسات بی‌اختیاری: مطالعه موردی»، *روان‌شناسی و دین*، س ۹، ش ۴، ص ۲۵۰-۴۰.
۱۱. حسنی، جعفر (۱۳۹۰)، «بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان»، *تحقیقات علوم رفتاری*، دوره ۹، ش ۴، ص ۲۲۹-۲۴۰.
۱۲. رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم؛ فرشته حقیقت و سمیه زاده‌وش (۱۳۸۸)، «نیرومندی من، شدت درد و خودکارآمدی مربوط به درد در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس: بررسی نقش متغیرهای واسطه‌ای»، *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، دوره ۳، ش ۲، ص ۶۱-۷۲.
۱۳. زیباکردار، معصومه؛ نسترن شریفی و حسن پاشاشریفی (۱۳۹۲)، «بررسی ویژگی‌های روان‌سنگی پرسشنامه دلستگی بزرگسالان کولینزورید و رابطه آن با پنج عامل شخصیتی NEO-FFI»، پایان‌نامه ارشد روان‌شناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۴. شهرابی، مهرنسا؛ سیدامیر امین‌یزدی، علی مشهدی و جعفر حسنی (۱۳۹۶)، «نقش نگرش مذهبی در تحمل پریشانی روان‌شناختی و دشواری نظم جویی هیجان دانشجویان دانشگاه تهران»، *مجله پژوهه در دین و سلامت*، دوره ۳، ش ۴، ص ۳۲-۴۷.
۱۵. الطافی، ش. (۱۳۹۰)، «بررسی و مقایسه قدرت ایگو و صفات شخصیتی وابسته به مصرف مواد و مستقل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.
۱۶. غباری بناب، باقر و علی‌اکبر حدادی (۱۳۹۰)، «تصویر ذهنی از خدا و افکار پارانوئید در دانشجویان»، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، دوره ۷، ش ۲۷، ص ۲۸۹-۲۹۵.
۱۷. فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۵)، آزمون‌های روان‌شناختی، ج ۲، تهران: انتشارات بعثت.
۱۸. هومن، حیدر (۱۳۹۵)، مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت).
19. Abood Mohammad ,H & .Idri Nadia (2020),The Relationship between Religious Commitment and Ego Strength among a Sample of Hashemite University Students ,Educational and Psychological Studies, 614–398.
20. Ainsworth Mary D ,Salter ,Blehar Mary ,C ,Waters Everett ,Wall Sally ,N .(2015) , Patterns of Attachment a Psychological Study of the Strange Situation ,New York : Psychology Press.

21. Aliche Joseph Chinenye ,Ifeagwazi Chuka Mike ,Chika Chukwuorji JohnBosco & John E .Eze (2020), (Roles of Religious Commitment ,Emotion Regulation and Social Support in Preoperative Anxiety ,Journal of Religion and Health ,905–919.
22. BOWLBY, J. (1969), Attachment and Loss Volume I Attachment, Basic Books: New York.
23. Bowlby, J. (1973), Attachment and Loss Volume II Separation Anxiety and Anger, New York: The Tavistock Institute of Human Relations.
24. Cassidy Jude & Shaver Phillip R. (2016), Handbook of Attachment Theory, Research and Clinical Applications, New York: The Guilford Press.
25. Ceyhan Ebubekir, Boysan Murat & Kadak Muhammed Tayyip (2019), Associations between Online Addiction, Attachment Style, Emotion Regulation, Depression and Anxiety in General Population: Testing the Proposed Diagnostic Criteria for Internet Addiction. Sleep and Hypnosis: A Journal of Clinical Neuroscience and Psychopathology, 123–139.
26. Diamantopoulos, A. & Siguaw, JA. (2013), Introducing LISREL: A guide for the uninitiated: Sage.
27. Garnefski Nadia & Kraaij Vivian (2018), Specificity of relations between adolescents' cognitive emotion regulation strategies and symptoms of depression and anxiety, Cognition and Emotion, Vol, 32, NO. 7, 1401–1408.
28. Garnefski, Kraaij, V. & Spinhoven, P. (2001), Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problem, Personality and Individual Differences 30, 1311–1327.
29. Garnefski, N., Teerds, J, Kraaij, V., Legerstee, J. & van Den Kommer, T. (2004), Cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: Differences between males and females, Personality and individual differences, 36(2): 267–76.
30. Gross, JJ. (2007), HANDBOOK OF EMOTION REGULATION, NewYork, London: The Guilford Press.
31. HenschelaSébastien, Jean–LouisNandrino & KarynDoba (2020), Emotion regulation and empathic abilities in young adults: The role of attachment styles, Personality and Individual Differences, 50–62.

32. Hsieh Manying & Straight Anne Dopkins (2012), Adolescents' Emotion Regulation Strategies, Self-Concept and Internalizing Problems, *The Journal of Early Adolescence*, 876–901.
33. Kahwagi, RM., Zeidan, RK., Haddad, C., Hallit, R., Sacre, H., Kheir, N., Salameh, P. & Obeid, S. (2020), Emotion regulation among Lebanese adults: Validation of the Emotion Regulation Questionnaire and association with attachment styles, perspective in psychiatric care.
34. Kerstine Kaya Nielsen Sara, Lønfeldt Nicole, Wolitzky-Taylor Kate, B., Hageman Ida, Vangkilde Signe & Sarah Ingrid Franksdatter Daniel (2017), Adult attachment style and anxiety – The mediating role of emotion regulation, *Journal of Affective Disorders*, Volume 218, 253–259.
35. Kline, RB. (2011), Principles and practice of structural equation modeling, New York: Guilford.
36. Kring Ann, M. & Sloan Denise, M. (2009), Emotion Regulation and Psychopathology, NEW YORK: The Guilford press.
37. Laurin Kristin, Kay Aaron, C. & Fitzsimons Gra'inne, M. (2011), Divergent Effects of Activating Thoughts of God on Self-Regulation, Personality and Social Psychology, 4–21.
38. Loehlin, J. C. (2004), Latent variable models: An introduction to factor, path and structural equation analysis: Psychology Press.
39. Markstrom Carol A. & Marshal Sheila, K. (2007), The psychosocial inventory of ego strengths: Examination of theory and psychometric properties, *Journal of Adolescence*, 30, 63–79.
40. Markstrom Carol, A., Sabino Vicky, Turner Bonnie & Herman Rachel (1997), The Psychosocial Inventory of Ego Strengths: Development and Validation of a New Eriksonian Measure, *Journal of Youth and Adolescence*, 705–732.
41. McCullough, Michael, E. & Willoughby, Brian, L. B. (2009), Religion, Self-Regulation and Self-Control: Associations, Explanations, *Psychological Bulletin*, 69–93.
42. Megreya Ahmed M., Al-AttiyahaAhmed Asma A. A., MoustafabElsayed, E.A. & Hassanein (2020), Cognitive emotion regulation strategies, anxiety and depression in mothers of children with or without neurodevelopmental disorders, *Research in Autism Spectrum Disorders*.

43. Moriarty, Glendon L. & Hoffman, Louis (2013), God Image Handbook for Spiritual Counseling and Psychotherapy: Research, Theory and Practice, New York: The Haworth Pastoral Press.
44. Pargament, K. I. (1997), Psychology of religion and coping: Theory, research, practice, New York: Guilford Press.
45. VandenBos, G. R. (2015), APA Dictionary of psychology, Washington DC: American Psychological Association.
46. Vishkin Allon, Ben-Nun Bloom Pazit, Schwartz Shalom H., Solak Nevin & Tamir Maya (2019), Religiosity and Emotion Regulation, Journal of Cross-Cultural Psychology, 1050–1074.
47. Vishkin Allon, Bloom Pazit Ben-Nun & Tamir Maya (2019), Always Look on the Bright Side of Life: Religiosity, Emotion Regulation and Well-Being in a Jewish and Christian Sample, Happiness Studies, 427– 447.
48. Zarzycka, B. (2019), Parental Attachment Styles and Religious and Spiritual Struggle: A Mediating Effect of God Image, Journal of Family Issues, 575–593.